

۲۴ مارس ۱۹۸۳ برابر با ۴ فروردینماہ ۱۳۶۲
پرونده شماره ۱۶
شعبه سه
حکم شماره ۳ - ۱۶ - ۳۰

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعای ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	۱۳۶۲ / ۱ / ۲۵ 14 APR. 1983
No	۱۶ / ۱۹

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

ریگو واگنرایکویپمنت کامپنی ،
خواهان ،

- و -

ایران اکسپرس ترمینال کورپوریشن ،
خواننده .

نظر موافق و مخالف ریجا ردام . ماسک

اینجانب با رای دیوان مبنی بر اینکه نسبت به پرونده حاضر دارای صلاحیت است موافقم .
به عقیده من ، بحث تفصیلی اینجانب در موضوع صلاحیت ، در انطباق با استدلالات
و نتیجه گیری بخش مربوط به صلاحیت در حکم بوده و موید آنست .

اینجانب با کمال احترام با حکم صادره در ماهیت دعوی مخالفم ، چه همانطور که در زیر
بررسی کرده ام ، ادله و مدارک موجود در پرونده و اصول حقوقی ذیربط موید صدور حکمی
به نفع خواهان است . (۱)

(۱) دیوان هرگز در هیچ پرونده ای صریحا " رای نداده که اکثریتهای متفاوتی
میتوانند وجود داشته باشند . در پرونده حاضر ، اکثریتهای متفاوتی برای
موضوع صلاحیت و همچنین در مورد طرف حاکم در ماهیت دعوی ، وجود دارد .

صلاحیت - موضوع کنترل

اینجانب با این تصمیم که دیوان داوری نسبت به ادعا دارای صلاحیت است موافقم ، زیرا خواننده در مفهوم مندرج در بند ۳ ، ماده هفت بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر در باره حل و فصل دعاوی فیما بین دولت ایالات متحده و دولت جمهوری اسلامی ایران ("بیانیه حل و فصل دعاوی")^(۲) ، واحدی است " تحت کنترل دولت ایران " .

اینکه بعنوان یک موضوع مربوط به صلاحیت "کنترل" به قدر کفایت اعمال می شود تا منجر به این نتیجه گیری شود که واحدی در مفهوم بند ۳ ، ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی "تحت کنترل دولت ایران" است یا خیر امری است جدا از سایر موضوعات مربوط به کنترل. (مقایسه شود با واگتس ، شرکتهای خارجی : مسائل مربوط به تعریف در محدودیتهای دولت فدرال نسبت به شرکتهای خارجی .

Cf. Vagts, The Corporate Alien: Definitional Questions In Federal Restraints On Foreign Enterprises 74 Harv.L.Rev. 1489, 1547(1961) ("Control for what purpose?").

برای اینکه دیوان داوری طبق بیانیه حل و فصل دعاوی نسبت به یک واحد ایرانی احراز صلاحیت کند ، لازم نیست که کنترل دولت به گونه ای باشد که طبق نظریه های از قبیل

(۲) چنانچه خواهان ، همانطور که مورد تقاضای خواننده و دولت ایران بوده ، از دولت ایران نیز اسامی برده بود ، محتملاً نتیجه متفاوتی در ماهیت به دست می آمد . بهر حال ، نباید به خاطر این موضوع به خواهان ایراد گرفت ، زیرا که دیوان هیچگونه رهنمود روشنی در خصوص نحوه صحیح تعیین طرفین ارائه نکرده است . بعلاوه ، دولت ایران مواضع متناقضی اتخاذ نموده است - در بعضی موارد مدعی شده که ضرورتاً "طرف دعوی است و گاهی اظهار داشته که نمی بایستی طرف دعوی قرار گیرد . چنانچه دیوان تعهد و مسئولیتی را علیه "دولت ایران ، سازمانهای فرعی سیاسی ، و هر واحد ، موسسه یا تشکیلاتی که به وسیله دولت ایران یا سازمانهای فرعی سیاسی آن کنترل می شود تشخیص دهد ، دولت ایران به موجب بیانیه های الجزیره مسئول است . (بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی ، بندهای ۲ و ۷ بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ، سند تعهدات دولت ایالات متحده و دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بند ۲ بیانیه جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر) .

هویت، شخصیت ثانوی^{*}، piercing the corporate veil، مداخله در روابط قراردادی و سود مندی اقدام دولت، به مسئولیت مستقیم دولت ایران منجر گردد (۳) خواننده اظهار داشته است که "واحدیا موسسه تحت کنترل دولت ایران" (بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی) باید بنحوی تفسیر شود که فقط شامل سازمانها یا واحدهای دولتی باشد که توسط دولت ایران ملی شده و یا دولت ایران مالک اکثریت سهام سرمایه‌های آنهاست. چنین تفسیری "با مفهوم متداول عبارات معاهده درزمینه و برای هدف و منظوری که به کار رفته‌اند"، منطبق نیست. بند ۱، ماده ۳۱، کنوانسیون وین راجع به قانون معاهدات، (منعقد در ۲۷ ژانویه، ۱۹۸۰)

Article 31, paragraph 1, 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties, (entered into force January 27, 1980), reprinted at 8 Int'l Leg. Mat'ls 679 (1969)

دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی برای مفهوم کلی عبارت "واحد تحت کنترل" معیاری به دست داده بدین قرار که "مفهوم کنترل" به ترتیبی که در کنوانسیون وین به کار رفته، ضرورتاً "یک کنترل اقتصادی است که متضمن نفوذ و تاثیر غالب بر خط مشی کلی است". برخی از حقوق آلمان در سیلزیای علیای لهستان

Certain German Interests in Polish Upper Silesia

P. C. I. J Ser. A No. 7 at 55, 68 - 69 (1926).

رجوع شود همچنین به ۱ فرهنگ جاوتس راجع به حقوق انگلیس

1 Jowett's Dictionary of English Law 454 (2d ed. 1977).

سایر توضیحات درباره کنترل حاکی از آنست که چنین نفوذی شامل قدرت و اختیارات اداره یا هدایت یک واحد است. رجوع شود، فی المثل به:

(۳) همانطور که در پاراگراف ۲، بالا ذکر شد، طبق بیانیه‌های الجزیره دولت ایران همچنین در قبال احکام ماده علیه کلیه اجزاء متشکله "ایران" به ترتیبی که در بیانیه حل و فصل دعوی تعریف شده، مسئولیت مستقیم دارد.

* در فرهنگ حقوقی بلک، چاپ پنجم، صفحه ۱۰۳۳، این اصطلاح به این شکل تعریف شده است: "اصلی که بموجب آن می‌توان ساخت سازمانی شرکت و مسئولیت محدود آنها را نادیده گرفته و آنها را در کنارکنان و روسای شرکت را در صورت تقلب، شخصاً مسئول قرارداد. (توضیح مترجم)

Universal Carloading & Distr. Co. V. Railroad Retire. Bd. ,

71 F.Supp 369. 370(D.D.C.1942), aff'd, 172 F.2d 22(D.C.Cir.
1948) ;

(کنترل شامل "حق یا قدرت هدایت خط مشی و امور... دیگری است . در (این
نحوه تفسیر جهت تحقق "کنترل" اعمال حق یا قدرت ضروری نیست ."

"کنترل" متضمن ملی کردن یا مالکیت اکثریت (یا حتی مالکیت هیچیک از)
سهام سرمایه ای یک واحد نبوده است . رجوع شود به بارون دونیوفیلز علیه
آلمان ودویچ بانک ،

Baron De Neuflyze V. Germany and the Deutsche Bank 4Ann.

Dig. Pub.Int.L.C. 323

(دیوان داوری مختلط فرانسه - آلمان ۱۹۲۸) (در رابطه با کنترل ، نه فقط
مالکیت بلکه عواملی نظیر نفوذ مالی و اداری را نیز ملاک قرارداد) ، ایالات
متحده علیه کور (۴)

United states V. Corr, 543 F.2d 1042, 1050(2d Cir. 1979).

(۴) این پرونده در ارتباط با قانون اوراق بهادار مورخ ۱۹۳۳ ایالات متحده
مطرح شد . مقررات کمیسیون اوراق بهادار و ارز ، بنده سی . قاعده ۴۰۵
طبق قانون اوراق بهادار ۱۹۳۳ ، مقرر می دارد : "واژه کنترل ، (از جمله
واژه های ، دارای قدرت کنترل ، تحت کنترل ، و تحت کنترل مشترک) به
معنای ، داشتن قدرت مستقیم یا به طور غیر مستقیم اداره یا فراهم
آوردن موجبات هدایت مدیریت و خط مشی های یک شخص ، خواه از طریق
مالکیت اوراق بهادار دارای حق رای ، خواه از طریق قرارداد ، یا به نحو
دیگر است" . رجوع شود همچنین به : لورین جورنال کامپنی علیه اف .سی .سی .

Lorain Journal Company V. F.C.C., 351 F.2d 824,829(D.C.Cir.

1965) .

درواقع هنگامی که عزم دولتین طرف بیانیه‌های الحزیره برایین قرارگرفت که کنترل به واسطه "مالکیت سهام سرمایه‌ای یا سایر حقوق مالکیت" باشد، صریحا "این قصد را مقرر داشتند (بند ۲، ماده هفت بیانه حل و فصل دعاوی). تعیین موضوع "کنترل" یک شرکت، در نبود مقررات خاص پیش بینی شده در قانون یا پیمان، بر مبنای فرمول غیر قابل انعطافی مثل مالکیت سهام، صورت نمی گیرد. رجوع شود به آناکاندا علیه اوپیک، Anaconda v. OPIC, 59 I.L.R. 406, 420, 426 (1975) (که بین کنترل عملی و کنترل قانونی قایل به تمایز شد) مقایسه شود با :

In Re Peninsular & Occidental Steamship Co. and Green Trading Company and Seafarers International Union of North America Atlantic, & Gulf Districts, A.F.L.- C.I.O., 26 I.L.R. 222, 224 (U.S.N.L.R.B. 1958)

(هنگامی که مساله کنترل موضوع اختلاف باشد "واقعیت‌های موجود باید مقدم بر شکل سازمانی شرکت شمرده شود".) ، دایمر کامپنی، لیمیتد علیه کانتیننتال تایراندرایر کامپنی (انگلستان) لیمیتد

Daimler Company, Limited v. Continental Tyre and Rubber Company (Great Britain), Limited, (1916) 2 A.C. 307;

راجستر تلفن کوریوریشن علیه ایالات متحده

Rochester Telephone Corp. v. United States, 307 U.S. 125, 145 (1938)

(مقصودکنگره از ارجاع وظیفه تعیین "کنترل" یک شرکت بر شرکت دیگر، به کمیسیون، ضوابط و معیارهای تصنعی کنترل نبوده است)

1 Swarzenberger, International Law 402 - 406 (3d ed. 1957).

تعریف جامع و شاملی که بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی راجع به "ایران" بدست میدهد، تأیید بیشتری است برای اینکه قصد دو دولت این نبوده که برای عبارت "واحد تحت کنترل دولت" قابل به محدودیت شوند. مضمناً "دامنه شمول" سازمان فرعی سیاسی ایران" و "هرموسه، سازمان یا واحد تحت کنترل دولت ایران یا هر سازمان فرعی سیاسی آن، (تأکید از نویسنده) به قدر کافی گسترده است که واحدهای خاصی که مالکشان دولت نیست را دربرگیرد.

قانون سال ۱۹۷۶ ایالات متحده در مورد مصونیت‌های دولت‌های خارجی، مقرری دارد که "دولت خارجی... شامل سازمان فرعی سیاسی دولت خارجی یا واحدهای سازمان دولت خارجی... است. طبق تعریف "واحدهای ابزار اجرائی یک دولت خارجی" هر واحدی است "که دارای شخصیت حقوقی مستقل، اعم از شرکت یا غیره بوده و... این واحد، یک نهاد دولت خارجی یا سازمان فرعی سیاسی، یا واحدی است که اکثریت سهام یا سایر حقوق مالکان آن در مالکیت دولت خارجی یا سازمان فرعی سیاسی آن... باشد". عنوان ۲۸ کنگره ایالات متحده آمریکا، بخش ۱۶۰۳. چون شرکتی که اکثریت سهامش در مالکیت دولت‌ها باشد "واحدهای ابزار اجرائی" آن دولت به شمار می‌رود، بنابراین عبارت "واحد تحت کنترل دولت" باید دربرگیرنده مفهوم وسیعتری نسبت به "واحد" یا "ابزار اجرائی" بوده و شامل واحدهایی نیز باشد که دولت در آنها مالک اکثریت سهام یا سایر حقوق مالکیت نیست. (۵)

در اینکه واحد تحت کنترل دولت، تعریف جامع‌تر و شامل‌تری دارد، دلایل منطقی وجود دارد. چنانچه هر یک از دو دولت، از طریق نمایندگان یا ماموران خود، اختیار آن را داشته باشد که در پرداخت دیون واحدی اعمال نفوذ نماید.

(۵) اینکه واحدی نمی‌تواند به اصل مصونیت دول حاکم، استناد نماید الزاماً "بدین معنی نیست که آن واحد تحت کنترل دولت نمی‌باشد. رجوع شود به ایالات متحده علیه دویچ کالیسیندیکات گزلفافت، United States v. Deutsches Kalisyndikat Gesellschaft, 31 F.2d 199 (S.D.N.Y. 1929); Annot., 25 ALR 3d 322, 340 (1969).

وجریانات داوری علیه آن واحد در دیوان داوری راهدایت کرده در آن ها شرکت جویند ، منطق حکم می کند که حتی اگر آن دولت رسماً "ویا به استناد سوابق ، "مالک" آن واحد نباشد ، صلاحیت به آن واحد تسری داده شود. (۶) این امر بویژه هنگامی صادق است که تداوم فعالیت آن واحد در جهت منافع عامه یا منافع دولت باشد. رجوع شود به امتیازات ما و روما تیس در مورد فلسطین

Mavrommatis Palestine Concessions (Gr. V . G.B) (1924) P.C.I.J., Ser. A, No. 2, at 17-22

"کنترل همواره شامل اقداماتی است که دارای ماهیت ویژه و مرتبط با یک خط مشی اقتصادی بوده و به نحوی از انحاء واحدهای خصوصی را مشمول تابعیت دولت می کند."

علاوه بر این ، دولت ایران و خواننده در یکی از دادگاه های ایالات متحده اظهار داشته اند که خواننده یک واحد دولتی بوده و لذا حق دارد که در مقام دفاع به مصونیت حاکمه استناد کرده و تابع صلاحیت این دیوان باشد. اتخاذ چنین موضعی در حکم رویه و طرز عمل بعدی یک طرف معاهده است که نشان می دهد خواننده در محدوده تعریف "واحد تحت کنترل دولت ایران می گنجد". رجوع شود به کنوانسیون وین در خصوص قانون معاهدات ، ماخذیالا ، بند ۳ (ب) ماده ۳۱ . علاوه ، خواننده در مدافعات خود در دادگاه ایالات متحده ، اظهار داشته که طبق قوانین ایران ، شرکتهای خصوصی ، "از جمله طبق اطلاع و اعتقاد خواننده ، خود شرکت خواننده ، می بایست توسط دولت جمهوری اسلامی ایران اداره شوند". (۷)

بنابراین ، بیانیه حل و فصل دعاوی دیوان داوری را از اعمال صلاحیت نسبت به واحدهائی نظیر خواننده منع نمی سازد.

(۷) با در نظر گرفتن اتخاذ چنین موضعی در یک مرجع قضائی دیگر ، خواننده و دولت ایران باید (به دلیل منع قانونی) از اتخاذ موضع مخالفی در این دیوان منع گردند.

چنگ ، اصول کلی حقوقی مورد عمل در دادگاهها و دیوانهای بین المللی
Cheng, General Principles of Law as Applied by International Courts and Tribunals 141-42 (1953);

مک گیسون ، استوپل در حقوق بین الملل

MacGibon, Estoppel in International Law 7 Int'l & Comp.L.Q. 468, 479 (1958). Bowett, Estoppel Before International Tribunals and Its Relation to Acquiescence (1957) Brit.Y.B. Int'l L. 176, 195.

واقعیت‌های پرونده حاضر برای اثبات اینکه خواننده واحدی تحت کنترل دولت ایران است، کفایت می‌کند. سهامداران واقعی شرکت خواننده و مدیران منتخب قانونی آن دیگر هیچ یک از حقوق خود در رابطه با شرکت را، اعمال نمی‌نمایند و محتمل هم‌بنظر نمی‌رسد که حقوق و اختیارات این سهامداران یا مدیران در آینده قابل پیش‌بینی اعاده شود. بدینسان، این سهامداران و مدیران، شرکت را اداره، هدایت و به‌رنحو دیگری کنترل نمی‌کنند، و اکنون که اداره کنترل شرکت با سهامداران و مدیران نیست، پس با چه کسی است؟ یک شرکت به خودی خود اداره نمی‌شود. چنانچه صاحبان و مدیران شرکتی آن را ترک کنند، شرکت غیرفعال خواهد شد و یا بایده منحل شود، یا تصفیه گردد، و یا اینکه، علی‌القاعده یکی از طلبکاران، در مورد ورشکستگی شرکت اقدام دعوی نماید.

رجوع شود به قانون تجارت ایران، مواد ۲۳۱ - ۱۹۹، ۵۵۰ - ۴۱۲، چاپ مجدد در
جلد هشتم، قوانین بازرگانی خاورمیانه - ایران وفایی، کتاب هفتم (۱۹۸۲)

Vafai, VIII Commercial Laws of the Middle East- Iran, BK 7 (1982)

دولت ایران "به منظور جلوگیری از تعطیل شدن شرکتها" قانونی را وضع کرده است که نصب مدیران موقت دولتی جهت آنها را مقرر دارد. (۸) ماده ۱ لایحه قانونی نصب مدیران موقت جهت سرپرستی واحدهای تولیدی، صنعتی بازرگانی، کشاورزی و خدمات اعم از بخش عمومی و خصوصی"، مصوب ۱۴ ژوئن ۱۹۷۹ (۲۴ خرداد ۱۳۵۷)، (انتشار مجدد در

Digest of Laws and Regulations Approved by the Islamic
Revolutionary Government

(ترجمه مسعود الظفر ۱۹۷۹) ایضا"، ماده ۱.

ایران تصدیق کرده است که به منظور تداوم کار شرکتها، جهت حفظ اشتغال کارگران و یا به منظور خدمت به مصالح ملی به چنین اقداماتی دست زده است. چنانچه شرکتی مثل شرکت خواننده در بخش عمومی با بهر صورت در رشته مهم دیگری فعالیت داشت (ماده ۴۴

(۸) این قانون جایگزین "فرمان نصب مدیران موقت برای سرپرستی و مدیریت موسسات و شرکتها" گردیده که در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۷۹ (۲۷ فروردینماه ۱۳۵۸) توسط شورای انقلاب اسلامی صادر شده بود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) دولت تداوم فعالیت آنرا لازم می شمرد.

اقدامات دولت ایران برای تداوم فعالیت این شرکتها، نه به خاطر منافع صاحبان یا طلبکاران واقعی شرکت، بلکه برای تأمین مصالح دولت، صورت گرفت. (۹)

مدارک موجود حاکیست که سهامداران خواننده از حق سهم خود در کنترل و هدایت مدیریت شرکت خواننده و تحصیل سود، محروم شده اند.

همین واقعیت که، شرکت که، حسب الادعا، مدیران و سهامدارانش آنرا ترک کرده اند، بدون مواجه شدن با ورشکستگی قانونی یا جریان تصفیه، فعالیت مداوم داشته است، خود حاکیست که شرکت تابع مصالح دولت و لذا مشمول کنترل دولت است. (۱۰)

نصب مدیر موقت یا "عضو ناظر" برای یک واحد توسط دولت، عامل دیگری جهت احراز تحت کنترل بودن آن واحد، حداقل در طول مدت این انتصاب، می باشد. اینکه کنترل ممکن است موقتی باشد از تاثیر تحت کنترل بودن واحد، به ترتیبی که این واژه در بیانیه حل و فصل دعوی به کار رفته به هیچ وجه نمی آید. (۱۱) این اقدامات رانمی توان با جریان حقوقی ورشکستگی، که اساساً "به نفع طلبکاران است، مقیاس نمود. چنانچه دولت ایران تصمیم گرفته است که شرکتها را بدون مشارکت صاحبان واقعی آنها و نه به

(۹) اگر، همانطور که خواننده اظهار می دارد، شرکت صرفاً "یک پوسته خارجی" است، میتوان سوال کرد که پس چگونه حقوق کارکنان و نماینده آن - یعنی شخصی که در استماع حضور بهمرساند و طی یکی از مدافعات به عنوان "مدیر عامل" معرفی شد - را کماکان می پردازد، شرکت خواه "پوسته خارجی" باشد یا نباشد دولت، با تصمیم به حفظ موجودیت آن تحت کنترل دولت، طبق بیانیه الجزیره در قبال برخی از دیدگون آن مسئول است.

(۱۰) این بدان معنی نیست که یک شرکت ورشکسته یا در حال تصفیه الزاماً "در مدت مربوطه تحت کنترل دولت نبوده است".

(۱۱) از آنجا که مسأله سلب مالکیت مطرح نیست، مراجع و منابع مربوط به این مسأله که آیا در نتیجه اداره موقت شرکت خسارت تعلق می گیرد یا خیر، حاکم به مورد نیست. رجوع شود به: وستون: دعای بین المللی: رویه عمل فرانسه پس از جنگ

خاطر منافع صاحبان یا طلبکاران آن‌ها، فعال نگهدارد، تفسیر و اعمال بیانیه‌های الجزیره به نحوی که شرکت‌های مزبور تحت کنترل دولت ایران تلقی شوند، غیر منطقی نیست.

منن عبارت قاسون، عناصر کنترل را به وضوح نشان می‌دهد. طبق قانون، مدیر موقت و اعضای ناظر به منظور "اداره و سرپرستی امور واحدهای یاد شده با اطلاع وزارت کار و امور اجتماعی..." توسط دولت منصوب می‌شوند (ماده ۱ قانون) این ما مور انتصابی دولت "از کلیه اختیارات لازم برای اداره امور جاری و روزمره شرکت" برخوردار است، "اعضاء ناظر بدون حق تفویض نمایندگی، حق اعمال نظارت کامل بر کلیه امور مربوط واحد، بالخصوص اعمال و فعالیت‌های مدیران را خواهند داشت" (ایضا، ماده ۳). هیچگونه محدودیتی برای مدت تصدی مدیران وجود ندارد. (ایضا، ماده ۲). مدیران انتصابی دولت جای مدیران و مسئولین واقعی را، که "از آنها سلب اختیار شده می‌گیرند (ایضا)". سهامداران به هیچوجه حق ندارند مدیرانی را به جای آنها نصب نمایند (ایضا). مدیران انتصابی دولت باید گزارش کارهای را در باره شرکت تهیه و آنرا به امضای نماینده وزارتخانه، موسسه یا شرکت دولتی مربوطه برسانند و "آنرا طی گزارشی در باره وضع عمومی و مالی واحد به وزارت کار و امور اجتماعی، موسسه یا شرکت دولتی ذیربط تسلیم نمایند". (ایضا، ماده ۵). بعلاوه، مدیران باید در پایان دوره تصدی خود گزارشی "به وزارتخانه، موسسه یا شرکت دولتی مربوطه همچنین به وزارت کار و امور اجتماعی تسلیم نمایند" (ایضا). حقوق مدیران تعدیل شده است. (ایضا، ماده ۴). هیچگونه اعتصاب یا ایجاد وقفه در کار مجاز نمی‌باشد. (ایضا، ماده ۶). هرگونه قصور یا تخلف مدیران یا صاحبان در امور واحد... باید به وزارتخانه، موسسه یا شرکت دولتی مربوط گزارش شود". (ایضا، ماده ۴). مدیران انتصابی می‌توانند به نمایندگی واحد... اقدام نمایند. "انجام اموری که خارج از جریان عادی جاری و احداً شدموکول به تصویب وزارتخانه، موسسه یا شرکت دولتی مربوط می‌باشد". (ایضا، ماده ۳). در موارد خاصی حق امضاء "با اطلاع وزارت کار و امور اجتماعی" قابل اعطاء می‌باشد. (ایضا).

خلاصه اینکه، این قانون به هر ترتیب که تفسیر یا اعمال شود، واضح است که دولت عمیقاً

در امور شرکت درگیر بوده و صاحبان اصلی شرکت از تمامی حق کنترل و قرائن مالکیت خود، به نفع مصالح دولت، محروم شده‌اند. (۱۲)

باید توجه داشت که علی‌رغم ادعاها و مدارک دال بر وجود کنترل دولتی در پرونده حاضر، خواننده هیچگونه مدارک مستند یا ادله قابل توجه دیگری راجع به مدیریت جاری امور مالی و اداری شرکت که حاکی از عدم کنترل دولتی باشد، ارائه ننموده است. البته این بدان معنی نیست که ارائه چنین ادله و مدارکی، در حالی که شرکت تحت اوضاع و احوال مذکور در فوق فعالیت می‌کند، می‌تواند فقدان کنترل دولتی را اثبات کند. لیکن عدم ارائه چنین مدارکی توسط خواننده، که اگر وجود می‌داشت، در اختیار او می‌بود، باید به منزله عدم وجود آن تلقی شود. رجوع شود به سندیفر، ادله و مدارک نزد دیوانهای بین المللی ۱۴۷ (چاپ ۱۹۷۵) Sandifer, Evidence Before International Tribunals 147 (1975 ed.).

بنابراین، اینجانب با تصمیم دیوان مبنی بر اینکه خواننده واحدی تحت کنترل دولت ایران، و لهذا، مشمول صلاحیت دیوان دآوری است، موافقم.

ماهیت دعوی

صحیح است که طرح دعوی از طرف خواهان دارای پاره‌ای نواقص بوده است. این نواقص را می‌توان بعضاً "با ذکر مشکلات آشکاری که در تهیه ادله و مدارک از ایران و ارائه آن به دیوان دآوری وجود داشته توضیح داد. (۱۳)

(۱۲) طرفین قبیل صاحبان شرکتها با هدف آشکار دولت در پرداختن از بخشهای مهم اقتصاد ایران هم‌آهنگ است. رجوع شود به: قانون حمایت و گسترش صنایع ایران، که عیناً در

II A Digest of Laws and Regulations Approved by the Islamic Revolutionary Government of Iran 23 (Masouduzzafar trans. 1979).

ترجمه مسعودالظفر منتشر شده است.

(۱۳) در پاره‌ای موارد مهم خواهان بدون ارائه شهادتنامه برخی از کارکنان و نماینده‌های فعلی و سابق خود صرفاً "بر" سوابق کسب و کار "استناد ورزیده است. هیچگونه توضیحی برای عدم تسلیم چنین مدارکی ارائه نشده است.

معذک ، خواهان حداقل در هر موردی مقداری مدرک که جهت اثبات ادعایش لازم بوده عرضه نموده است . خواننده ، با وجود اینکه ادعا می کرد که مدارک مستندی در اختیار دارد ، چنین مدارکی را ارائه نکرد . با اینحال ، دیوان داوری از عدم ارائه این قبیل مدارک توسط خواننده ، هیچگونه استنتاجی ننمود . رجوع شود به : سندیفر ، فوق الذکر ، صفحه ۱۴۷ ،

خواهان ، یک شرکت کوچک خصوصی آمریکائی ، طی اجاره نامه های دودستگاه ماشین تخلیه و بارگیری به خواننده ، ایران اکسپرس ترمینال کورپوریشن اجاره داد . اجاره نامه ها توسط شخصی امضاء شده که از قرار معلوم ، عامل شرکت خواننده بوده است . خواهان تجهیزات را به کسی که تصوری کرده از جانب خواننده اقدام می کند ، تحویل داده و این شخص تجهیزات را همراه با بارنامه ای حاوی نام خواننده به عنوان تحویل گیرنده ، به ایران فرستاد . خواهان گزارشهای بازرسی حاکی از اینکه تجهیزات در ایران بازرسی شده ، تسلیم داشته است . پرونده های خواهان حاکی از این بوده که خواهان درخواستهای برای قطعات یدکی تجهیزات دریافت کرده است . به خواهان مبالغی در رابطه با اجاره ها پرداخت شده است . در یک فیلم استفاده از تجهیزات در اسکله های ایران نشان داده شده و قرائنی در دست است که تجهیزات تحت نام خواننده مورد استفاده بوده است . پرداخت اجاره بها متوقف گردیده و تجهیزات هرگز عودت داده نشده است .

اجاره نامه های اصلی از جانب خواننده ، توسط رابرت یوتریک امضاء شده است . اصلاحیه های بعدی آن به وسیله هندریک یوتریک امضاء گردیده که دست کم نهایتاً " عضو هیات مدیره شرکت بوده است . فی الواقع ، خواننده تصدیق می کند که وی بخشی از گروه موسساتی بوده که اساساً " به وسیله خانواده یوتریک کنترل می شده است .

خواننده ، به عنوان تنها " مدرک و دلیل " خود ، نسخه های از آنچه را که ادعا می شد برخی از اسناد شرکت خواننده است ، همراه با تکذیب نماینده دولتی خواننده حاکی از در تصرف داشتن تجهیزات یادشده ، ارائه نموده نماینده خواننده در مدت اجاره ، سمتی در شرکت نداشته است . علاوه بر این ، وی ، علی رغم اینکه در یکی از مدافعات خواننده از او بجهت عنوان مدیرعامل خواننده نام برده شده ، این مسأله را انکار کرد . بدین طریق ، اعتبار وی در بهترین شرایط مورد شک و تردید است .

موضع دیوان مبتنی بر این نظر است که خواهان، مدارک و دلایل کافی در اثبات این نکته که اقدامات خواننده در ارتباط با اجاره نامه های قبل از تاسیس شرکت ضرورتاً " تعهدآور بوده است، ارائه نکرده است. خواننده، اگرچه به اعتبار و رسمیت اجاره نامه ها ایراد گرفته است، با اینحال هرگز این مسأله را مطرح نکرده که اجاره نامه ها پیش از تاسیس (شرکت) خواننده امضاء شده است. لذا خواهان، هرگز این موضوع را عنوان نکرد.

همانطور که اکثریت ظاهراً " تصدیق کرده است، حتی اگر شرکت خواهان صرفاً " بعد از امضاء اجاره نامه ها تاسیس یافته باشد (۱۴)، باز هم شرکت می تواند، به موجب اعمال خود، در قبال اجاره نامه های پیش از تاسیس منعقد شده توسط موسسین شرکت متعهد شناخته شود. (۱۵) رجوع شود به:

(۱۴) در مورد طرفین اجاره نامه مقداری ابهام وجود دارد، زیرا در پرونده شماره ۳۸۱ مطروحه توسط یوتریکها در دیوان، ادعا شده است که تجهیزات برای استفاده ایران اکسپرس لاین " توسط ایران اکسپرس ترمینال کورپوریشن، که یک شرکت باها مائی است " ... واگذار شده است. اینکه آیا کورپوریشن مزبور همان خواننده یا سلف خواننده است و یا اینکه برای این واگذاری ملاحظاتی وجود داشته، واقعیت های مهمی است. دیوان داوری، علی رغم تمایل خود به قضاوت بر مبنای تحقیقات یکجانبه *ex parte* یک داور در مورد خواننده ایرانی، دست کم در یک پرونده دیگر، به این ادعاها توجهی نکرد و تحقیقی صورت نداد. نظر موافق ریچارد ام. ماسک در حکم جزئی شماره ۳ - ۸۴ - ۲۷ (آلترا سیستمز اینکورپوریتد). اعم از اینکه چنین تحقیقی بایده عمل آید یا خیر، دیوان بایده مراقب باشد که در رفتار خود نسبت به طرفین نا هماهنگی وعدم مداومت نشان ندهد.

(۱۵) در قراردادهای اجاره، اعمال قانون ایالت اورگان ایالات متحده، پیش بینی شده است. اما این قانون نمی تواند قابل اجرا بودن اجاره را علیه خواننده معین نماید. در قوانین لازم الاجرا در مورد موافقت نامه های پیش از تاسیس (شرکت) تفاهاتی وجود دارد. با توجه به اوضاع و احوال پرونده حاضر، من معتقدم، نتیجه گیری های من با اصول حقوقی ایران و ایالات متحده و اصول کلی حقوقی مطابقت دارد. براونلی اصول حقوق بین الملل عمومی ۱۶ (چاپ سوم ۱۹۷۹)، حکم شماره اف. تی. ۴۳ - ۱۰ -

18 C.J.S. Corporation § 122 (United States); Frommel and Thompson
Company Law in Europe 390, 488 (1975) (The Netherlands and Sweden);

مواد ۲۴۷ ، ۲۴۸ قانون مدنی ایران (ترجمه صبی ۱۹۷۳) ،

Articles 247, 248 of the Civil Code of Iran (Sabi trans.
1973); Buxbaum, The Formation of Marketable Share Companies,
XIII Business and Private Organizations, Int'l Ency. of Comp.
L. 32 (undated). (16)

هما نظور که پرفسور باکسبام خاطر نشان ساخته ، "پرونده ها ... حاکی از آنست که در کلیه
نظامهای حقوقی (مسایل مربوط به قبول صریح قرارداد اولیه) ، اعم از اینکه از نظر
تئوریک به عنوان یک موضوع اساسی حقوق مدنی ، یا به عنوان یک موضوع مربوط به حقوق
شرکتها تبیین شده یا نشده باشد ، به نفع قبول قراردادها حل می شود. عملاً امکان
ردچنین قراردادهائی صرفاً "در وضعیت های بسیار استثنائی میسر است". باکسبام ،
ماخذ بالا، صفحه ۳۲.

بوتریکها قراردادهای اجاره را امضاء کردند ، آنها شرکت خوانده را تاسیس و طبق
اظهار خواننده ، آنها تحت کنترل داشتند. سپس همانها (یا یکی از شرکتها متعلق به آنها)
کارگزاری خواننده را به عهده گرفتند ، پس از تاسیس شرکت خواننده ، آنان ظاهراً "استفاده
از تجهیزات استیجاری و پرداخت اجاره آنها تحت کنترل داشتند. اقدامات و آگاهی
آنها را با یاد زلحاظ اثبات قبول اجاره نامه های پیش از تاسیس ، به شرکت خواننده نسبت

آی. تی. ال. (اوایل فیلد آوتکراس اینکورپوریتد) ، سیمپسون اند فاکس ، داوری بین المللی
۳۶ - ۱۳۵ (۱۹۵۹) .

Brownlie, Principles of Public International Law 16 (3d ed.
1979); Award No.: ITL 10-43-FT (Oil Field of Texas, Inc.);
Simpson and Fox, International Arbitration 135-36 (1959).

(۱۶) اما رجوع شود به قانون انگلستان که شامل الزامات شدیدتری در مورد قبول دیون
پیش از تاسیس شرکت است. باکسبام ، ماخذ بالا در صفحه ۳۲ شمه ————— ره ۲۰۴ ،
Frommel and Thompson ماخذ بالا در صفحه ۵۶۰ .

ماده ۲۴۸ قانون مدنی ایران مقرری دارد که معامله فضولی ... " به لفظ یا فعلی که
دلالت بر امضای عقد نماید " ، لازم الاجرا می گردد (ترجمه صبی ۱۹۷۳) . بعلاوه محدودیتهای
مربوط به اختیارات مدیران ... " در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است . "
(قانون تجارت ایران ، انتشار مجدد در "وفایی" ماخذ بالا ، کتاب ۷ ، رجوع شود همچنین

داد. رجوع شونده : چارترند علیه بارنیز کلاب، اینکورپوریتد

Chartrand V. Barney's Club' Inc., 380 F. 2d 97, 100-01
(9th Cir. 1967).

مطمئناً " اگر نحوه کنترل شرکت خواننده تغییر پیدا نکرده بود، خواننده نمی توانست از مسئولیت در برابر خواهان شانه خالی کند. این واقعیت که نحوه کنترل مدتها پس از حدوث اعمال و اقدامات قابل انتساب به موسسه، تغییر یافته، نباید بر تعهد حقوقی خواننده تا شیر بگذارد.

این واقعیت که شرکت یوتریک تلکسی در مورد تجهیزات به دولت ایران مغایره کرده منافاتی با موضع اتخاذی خواهان ندارد. شرکت یوتریک اجرای قراردادهای اجاره را تضمین کرده بود، به نحوی که اشاره آن به حقوق و مسئولیتهای وی نسبت به تجهیزات، کاملاً قابل درک است. فی الواقع، تلکس مزبور محل فعلی تجهیزات را مسجل ترمی سازد.

دیوان دآوری چنین نتیجه گیری می کند که مدارک کافی برای اثبات اینکه قراردادهای اجاره لازم الاجرا بوده و اینکه خواننده تجهیزات را "به موجب قراردادهای اجاره" در اختیار داشته، ارائه نگردیده است. دیوان دآوری در این باره که خواهان از تجهیزات استفاده کرده یا آنها را در اختیار داشته است سکوت می کند. اگر، آنطور که خواهان استدلال می کند، و برخی از مدارک نیز حاکی است، خواننده تجهیزات را در اختیار داشته یا تجهیزات تحت کنترل او بوده، حتی اگر این امر به موجب قراردادهای اجاره نباشد، خواهان مستحق دریافت خسارت به دلیل دارا شدن غیر عادلانه (خواننده) است، چنین جبران خسارتی، هم در حقوق داخلی وهم در حقوق بین الملل پذیرفته شده است. رجوع

شونده

1 Schwarzenberger, supra at pp. 577-576; American Law Institute, Restatement of the Law of Restitution Section 1, (1936),

قانون مدنی ایران، مواد ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۰۱ تا ۳۰۶

بقیه پا ورقی ۱۶
به ماده ۱۳۵ قانون تجارت ایران، ایضا (اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل
شرکت در مقابل اشخاص ثالث علی رغم "عدم اجرای تشریفات مربوط" نافذ و معتبر
است).


Civil Code of Iran, Articles 301-06, 336-37 (Sabi trans.1973);
Zweigert and Müller-Gindullis, Quasi-Contracts, III Private
International Law, Int'l Ency. Comp.L., Chapter 30 (undated)

اگر، آنطور که ادله و مدارک نشان می دهد، ایران به شرح مندرج در بیا نیه حل و فصل
دعاوی، تجهیزات را در اختیار داشته و آنرا در یکی از صنایع اساسی دولتی به کار گرفته
و بهای آنرا نپرداخته و با آنرا عودت نداده است، خواهان نباید از حق جبران خسارت
محروم شود. (۱۷) اینکه دیوان داوری حتی از بحث راجع به امکان جبران خسارت در نبود
یک عقدا جاره لازم الاجرا علیه خواننده، خودداری کرده است قصورنمایی به شمار
می رود.

بنا به دلایل مذکور در فوق، من معتقدم که ادله و مدارک ارائه شده کافی برای صدور حکم به
نفع خواهان بوده و لذا، با تصمیم مبنی بر رد ادعا مخالفم.

لا اله،

به تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۸۳ برابر با ۴ فروردین ۱۳۶۲



ریچارد ام. ماسک

(۱۷) خواهان تضمینی از جانب شرکت یوتریک در رابطه با تعهدات مستاجر و یا بخشی از این
تعهدات، دریافت نکرده، ولی ظاهراً "شرکت یوتریک طبق قانون ورشکستگی، در
ایالات متحده دعوی ورشکستگی اقامه کرده است. رجوع شود به نشریه خبری دعاوی مربوط
به دارائیهای ایران، شماره ۴ فوریه ۱۹۸۳، صفحه ۶۰۰۶. یوتریکها ادعائی را در این
دیوان مطرح ساخته و ضمن آن، از جمله مطالبی را که بابت تضمین می بایست به
خواهان پرداخت می شد، مطالبه کرده اند. هیچ یک از نکات ارائه شده در نظر اکثریت نباید
به عنوان نفی حقوق ناشی از تضمین تعبیر گردد. بنا بر این، هنوز این امکان وجود
دارد که خواهان نهایتاً "می تواند مبلغی بابت خسارت دریافت کند."